



انیمیشن ایرانی برگزیده جشنواره انسی فرانسه

انیمیشن کوتاه «در شب» به کارگردانی پوپا افضلی از ایران موفق شد جایزه ویژه تلویزیون فرانسه برای فیلم کوتاه را در جشنواره بین المللی انیمیشن انسی ۲۰۲۵ کسب کند. این جشنواره که یکی از معتبرترین رویدادهای جهان در عرصه انیمیشن به‌شمار می‌رود، از ۱۸ تا ۲۴ خردادماه در فرانسه برگزار شد. در بخش‌های دیگر جشنواره، انیمیشن بلند فرانسوی «آرکو» ساخته اوگو بیین ونو با تهیه‌کنندگی ناتالی پورتمن، جایزه کریستال بهترین فیلم بلند را از آن خود کرد. جایزه هیئت داوران بخش اصلی نیز به «چانو» از ژاين تعلق گرفت؛ اثری درباره رابطه انسان‌ها و موجودات دریایی در شانگهای آینده، جایزه پل گرمو به «اودیسه قاصدک» رسید و فیلم «اولیویا و زلزله نامرئی» نیز جایزه پخش بنیاد گن را دریافت کرد. انیمیشن «املی کوچولو یا سرشت باران» برگزیده تماشاگران شد. در بخش کانترشاپ نیز مستند «کوک‌بی پایان» و فیلم کره‌ای «میدان» موفق به دریافت جوایز اصلی شدند.



ضرورت مقابله با تحریف روایت‌ها در جنگ

اتحادیه تولید و نشر محتوا در فضای مجازی با صدور بیانیه‌ای، ضمن حمایت از پوشش «ایران همدل»، حمله اخیر رژیم صهیونیستی به خاک ایران را محکوم و فضای دیجیتال را میدان اصلی نبرد روایت‌ها توصیف کرد. در این بیانیه آمده است: تجاوزات اخیر، نه‌تنها نقض آشکار اصول حقوق بین‌الملل بود، بلکه استقلال و عزت ملی را هدف گرفت. در چنین شرایطی، پوشش «ایران همدل» پیام وحدت و مقاومت ملت ایران را در سطحی جهانی منتشر می‌کند. اعضای اتحادیه با تأکید بر نقش کلیدی تولیدکنندگان محتوا، از آن‌ها خواستند با هوشمندی و هم‌افزایی، در برابر تحریف واقعیت‌ها بایستند و روایت واقعی مقاومت را به گوش جهان برسانند. اتحادیه همچنین توصیه‌هایی را برای فعالان فضای مجازی منتشر کرد: از جمله اعتماد به منابع رسمی، خودداری از انتشار اطلاعات حساس، مستندسازی جنایات، پرهیز از محتوای تفرقه‌انگیز، استفاده از ترجمه چندزبانه، بهره‌گیری از هوش مصنوعی و تمرکز بر امیدآفرینی و اتحادملی.



امروز زمان هم‌گرایی است نه اختلاف

خانه سینما در واکنش به حمله جنایتکارانه رژیم صهیونیستی به کشورمان با صدور بیانیه‌ای، این اقدام را به‌شدت محکوم کرد و بر همبستگی ملی در برابر این تجاوز تأکید کرد. در متن این بیانیه آمده است: «هرگونه تعرض به ایران عزیز، برای تمام ایرانیان پاک‌نهاد ناگوار و غیرقابل پذیرش است. ما سینماگران، با دیگر ایرانیان وطن‌دوست همراه هستیم و معتقدیم از این ورطه و لحظه تاریخی نیز، سربلند عبور خواهیم کرد.» محمدمهدی عسگرپور، مدیرعامل خانه سینما نیز در یادداشتی که در این باره منتشر کرده، خواستار پرهیز از اختلاف و تمرکز بر هم‌گرایی ملی شده است. عسگرپور تأکید کرده است که ایران در بزنگاه‌های حساس تاریخ، همواره با اتحاد و ایستادگی ملت خود از یحران‌ها عبور کرده و امروز نیز نیاز به انسجام و هم‌صدایی بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. او نوشته است: «در طول تاریخ، هربار که ایران عزیزمان متحمل تعرضی شده، با پایدردی ایرانیان پاک‌نهاد، سرافراز از مهلکه عبور کرده است: امروز نیز چنین خواهد بود.»

وطن یعنی اراده مشترک

در ملی‌گرایی مدنی ایرانی، همکاری با دول متجاوز همواره نکوهش شده است



فرزاد نعمتی

خبرنگار گروه فرهنگ

در چندروز اخیر و با آغاز حمله اسرائیل به ایران، بار دیگر مفهوم «وطن» در کانون تحلیل‌ها قرار گرفته است و کم‌نیستند ایرانیانی که در فضای مجازی از لزوم وطن‌پرستی سخن می‌گویند؛ از اینکه از جغرافیایی که نام‌اش ایران است، باید در هر نبرد با هر متجاوزی دفاع کرد. چنین تأکیدی البته فقط وجهی ایجابی ندارد و آن را باید پاسخی مستقیم دانست به این ایده که این جنگ، جنگ ایران و اسرائیل نیست، جنگ جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل است. مدافعان این دیدگاه می‌گویند، جمهوری اسلامی با طرح شعار نابودی اسرائیل و با حمایت از نیروهای نیابتی خود در منطقه، در عمل به دشمنی اسرائیل رفته است. اولین، بزرگترین و موثرترین صدایی که این دیدگاه را برجسته کرده و از آن سود می‌جوید، البته بنیامین نتانیاهو است؛ کسی که در روزهای اخیر دیگر حفظ ظاهر نیز نمی‌کند و به‌صراحت از امیدواری‌اش نسبت به درگرفتن شورش داخلی و براندازی حکومت سخن می‌گوید. گویی در محاسبات او، قرار بوده است اسرائیل از آسمان بزند و مردم در زمین نهادهای دولتی را تصرف کنند، چنین خیالی در ذهن برخی از اپوزیسیون خارج‌نشین جمهوری اسلامی نیز پروارنده شده؛ نشان بدان نشان که هم از اصابت موشک‌های اسرائیلی به خاک ایران خوشحالی می‌کنند، هم مردم را ترغیب می‌کنند به اعتصاب، اعتراض، شورش و لایذ انقلاب. از سویی هشتگ می‌زنند، «اسرائیل بزن» و از سویی دیگر می‌نویسند، «ساکت ننشینیم» و «صدای خود را بلند کنیم».

سابقه همکاری با دولت‌های متجاوز

پدیدارشدن چنین خیالاتی در ذهن دشمنان جمهوری اسلامی ایران، البته مسبوق به سابقه است. فراموش نشده که با تجاوز عراق به ایران و آغاز جنگ تحمیلی، گروه‌هایی از اپوزیسیون حکومت ایران، دل خوش داشتند به حمایت‌های رژیم بعثی و دست دوستی به سمت کسی دراز کردند که در همان زمان به خاک ایران طمع داشت و جدایی خوزستان از ایران و تسلط بر منابع نفتی را بر زبان می‌راند؛ آن‌هم در جنگی که او خود آن را نبردی

قومی مذهبی میان مسلمانان عرب و مجوسان ایرانی بازنمایی می‌کرد و به همین دلیل آن را «نبرد قادسیه» می‌نامید. یخ اتحاد میان اپوزیسیون و صدام حسین، البته گرفت اما نتیجه‌ای جز بدنامی برای آنها نداشت، در پایان آن نبرد، تصور عمومی جامعه ایران نسبت به مجاهدین خلق که آشکارا در این ائتلاف شرکت جستند، منفی‌تر از همیشه بود و بعدتر نیز بسیاری از دسته‌ها و نیروهای سیاسی که در این مناسبات به‌طرزی پنهانی حضور داشتند، به‌هر شکلی کوشیدند رد پای همکاری خود با دولت خارجی متخاصم را پاک کنند و از در انکار وارد شوند.

گفته‌اند و خوانده‌ایم که «اگر به تاریخ بنگریم، می‌بینیم که هیچ‌کس از تاریخ عبرت نگرفته است». حتی اگر مطلق به این گفته هگل ننگریم، می‌توان گفت اپوزیسیون جمهوری اسلامی از مصادیق این سخن است. درحالی‌که آن تجربه همکاری باصدام حسین، بهترین فرصت بود برای آموختن این نکته که جنم ایرانیان، وطن‌فروشی را پس می‌زند و نمی‌پذیرد که نیروی سیاسی به همکاری با دولتی بپردازد که دستش به خون هموطنانش آلوده است؛ در هنگامه حمله آمریکا به عراق و افغانستان نیز برخی شادی خود را از این امر که پای نیروهای آمریکایی به ایران برسد و با چکمه‌های خود دموکراسی و حقوق بشر را به ما هدیه بدهند، پنهان نمی‌داشتند. نگاهی به آنچه در آن سال‌ها گذشت و سرنوشت آن فعالان سیاسی که راه سرنوگونی حکومت ایران را در همدستی با دولت‌های متخاصم جستند، بار دیگر نشانی از این واقعیت است که کلیت جامعه ایران، نگاهی مثبت به چنین حرکاتی ندارد و برای ایرانیان وارستگی و استقلال عمل نیروهای سیاسی از دولت‌های خارجی اهمیتی دوچندان دارد. با این همه، در سال‌های اخیر باز این تجربه ناکام دوباره آزموده شده است و اینک در چنین روزهایی زمان سنجش دوباره صحت و سقم آن فرارسیده است. این ادعا اما که ایرانیان نسبت به «وطن» حساسیت دارند و فراتر از نقدهای خود به حکومت، به تسخیر کشور به‌دست اجانب رضایت نمی‌دهند، البته نیازمند استدلال است و من در ادامه این نوشته می‌کوشم با نگاهی به تاریخ ایران زمین نشان بدهم که چگونه چنین وضعی در ایران، دیروز و امروز شکل نگرفته است و تاریخی کهن پشت‌سر دارد.

نسبت هویت ایرانی با ناسیونالیسم

ایران در تاریخ طولانی خود بارها مورد هجوم قرار گرفته است؛ از اسکندر مقدونی تا اعراب، از مغولان تا تیموریان، از رومی‌ها تا کشورهای غربی در دو جنگ جهانی اول و دوم. هربار نیز که این نبردها به شکست نظامی ایران منجر شده است، دیری نگذشته

که جوانه‌های اعتراض و مقاومت در این سرزمین ریشه دوانیده و به انحای مختلف در صدد مقابله با این تجاوزها برآمده است. این روش‌ها ترکیبی از مقابله نظامی، فرهنگی و دیپلماتیک بوده است، اما در بنیاد همگی آنها این باور دیرینه محوریت داشته که ایران، باید به دست ایرانیان اداره شود، بنابراین اگر حتی امکان بیرون‌راندن مهاجمان با زور بازو وجود نداشته است، اما خرد و تدبیر ایرانی از معبر فرهنگ مهاجمان را رام و اهلی نموده و به‌مرور یا آنها را از درون مستحیل ساخته یا به شکل‌دهی محورهای مقاومت محلی دست‌یازیده است.

پژوهشگران تاریخ ایران وجود چنین پدیده‌ای را در ایران به قدمت آن و موفقیت مردم این سرزمین در شکل‌دهی به فهمی از هویت ملی نسبت داده‌اند که قرن‌ها پیش از آنکه با شکل‌گیری نظام وستفالیایی مبتنی بر دولت‌ملت، کشورها و مرزهای آنها چونان اموری مقدس بازنمایی شوند، پدید آمده است. نگاهی به اسطوره‌های ایرانی نیز چنین اهمیتی را بازتاب می‌دهد. مگر غیر این است که آرش کمانگیر، جان در طبق وطن نهاد تا مرزهای این سرزمین پایدار بماند؟ مگر جز این است که وقتی بازماندگان اسکندر مقدونی، حکومت سلوکیان را در فلات ایران بنیاد نهادند، پهلوانان پارتی آرام ننشستند و در نهایت آنان را پس زدند؟ تردیدی در این داریم که ساسانیان با احیای هویت ایرانی، به فهمی دامن‌گستر از ایران‌شهر دست زدند؟ جز این شاید جالب باشد بدانیم که همین پارتیان از نظر ساسانیان، مظنون بودند به درآمیختگی با فرهنگ یونانی.

درک فراگیر از وطن، بعدتر در دوره اسلامی تاریخ ایران نیز تداوم پیدا کرد، بیراه نیست که صفویه وقتی به تاسیس دولت ملی در ایران اهتمام ورزید، ارکان حکمرانی را خود بر سه اصل تصوف، تشیع و سلطنت ایرانی استحکام بخشید و کوشید نیای خود را به ساسانیان برساند. در همین دوران بود که ایرانیان از حدیث مشهور نبوی، «حب الوطن من الایمان» درکی نوین عرضه داشتند و آن را از معنی محلی‌اش به‌معنای محل تولد یا اقامت به کل کشور ایران وسعت بخشیدند. با چنین پیشینه‌ای بود که ناصرالدین شاه در مراسم تاج‌گذاری خود تاج کیانی بر سر گذاشت. بعدتر نیز در عصر مشروطه، این فهم دیرینه از وطن به مفهوم جدید ملت الصاق شد و بدین ترتیب دولت‌ملت ایران شکل گرفت. بدین ترتیب در یکصد سال اخیر به موازات گفتمان ناسیونالیسم غربی، فهمی ملی‌گرایانه در ایران تقویت



تکس: احمد معینی جم، ایرنا